



۲۰۱۶/۰۳/۲۹



م. نسیم اسیر

نالۀ پر درد!!

امروز سه شنبه ۲۹ مارچ را با تلخترین خبر، آغاز و تمام روز را با اندوه گذشتاندم. این خبر تلخ و ناگوار، مرگ عزیزترین و شفیقترین دوست ایام غربت و مهاجرت، «آقای تیمورشاه تیموری» است که از هر جهت با من همدل و همنوا بود و توسط دوست مشترک ما جناب دیپلوم انجنیر خلیل الله معروفی خبر شدم. اتفاقاً یک هفته پیش از این واقعه المناک در تماس تلفون، باهم درد دلی داشتیم از جمله اوضاع صحی که با هم شمردیم و وصایایی بهم ارائه کردیم، در ضمن به من اطمینان داد که اکنون احساس بهبود می کند و به غرض گرفتن هوای تازه، هر روز به گردش و قدم زدن می پردازد، اما امروز نفس در سینه قید و ما را با غصه ها تنها رها کرد. من با اندوه بی پایان این ضایعه جبران نا پذیر را به خانواده محترم، فرهنگیان علاقمند و حلقه کثیر دوستدارانش تسلیت می گویم، روحش شاد و یادش گرامی باد:

زندگانی چقدر پر درد است	گاه گرم است و بیشتر سرد است
گرم و سرد است گردش ایام	که رفیق است، گاه همآورد است
گاه در التیام زخم دلست	گاه در انتقام و پیگرد است
رنگ ها دارد این سرای سپنج	یک زمان سبز و یک زمان زرد است
آسیابست و آدمی در آن	تا بیاید به خویشتن، گرد است
همه بازیچه ایم در کف او	این جهان همچو تخته نرد است
خبر آمد که پاسدار سخن	«تیموری» آنکه شاعر فرد است
زین جهان رهسپار رضوان شد	حاصل دوستان غم و درد است
سینه آماجگاه غصه و غم	خاطر من نیز درد پر ورد است

اشک می ریزم از دو دیده «اسیر»

مرگ همدرد، رنج آورد است

م. نسیم «اسیر» ۲۹ مارچ ۱۴ میلادی، فرانکفورت